

ترجمہ شعر بہ شعر

(سرود زندگی)

تألیف و ترجمہ:

قادر رضا جو

عضو هیات علمی دانشگاه شهید مدنی، ریاضیان

نصر پروانہ

تبریز - ۹۳

- سرشناسی: رزمجو، قادر، ۱۳۳۶ -، گردآورنده، مترجم
- عنوان و نام پدیدآور: ترجمه شعر به شعر: (سرود زندگی)/تالیف [صحیح: گردآورنده]
- ترجمه به قادر رزمجو.
- مشخصات نشر: انتشارات نصر پروانه، ۱۳۹۲.
- مشخصات ظاهری: ۱۷۸ -
- شابک: 978-600-7164-50-4
- وضعیت فهرست نویسی: فیا
- موضوع: شعر آمریکایی -- ترجمه شده به فارسی -- مجموعه‌ها
- موضوع: شعر انگلیسی -- ترجمه شده به فارسی -- مجموعه‌ها
- موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- ترجمه شده به فارسی -- مجموعه‌ها
- موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- ترجمه شده به فارسی -- مجموعه‌ها
- موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- مجموعه‌ها
- رده بندی کنگره: PS۶۱۹/۲۴ ۱۳۹۲
- رده بندی دیویی: ۸۱۱/۰۰۸
- شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۷۱۹۷۱

انتشارات نصر پروانه
تبریز - چهارراه محققى - پاساژ نوبت - طبقه زیرزمین - پلاک ۴
تلفن: ۰۵۴۴۷۶۷ - ۰۴۱۱ دورنگار: ۰۵۴۴۷۶۸
np_nashr@yahoo.com
www.np-nashr.com



ترجمه شعر به شعر (سرود زندگی)

تألیف: قادر رزمجو

تألیف، طراحی و صفحه‌آرایی	:	فرشید
نوبت چاپ	:	اول - ۱۳۹۳
اندازه و تعداد صفحه	:	رقعی ۱۷۸ ص
تیراژ	:	۱۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۶۴-۵۰-۴	-	ISBN: 978-600-7064-50-4

قیمت: ۱۰۰/۰۰۰ ریال

فهرست اشعار (ترجمه از انگلیسی به فارسی)

۱. سرود / هنری لانگ فلو
A Psalm of life / Henry W. Longfellow
۲. قمار زندگی / سارا تسدیل
Barter / Sara Teasdale
۳. فلسفه عشق / سارا تسدیل
Love's Philosophy / Percy Bysshe Shelley
۴. اوزماندیس / پرسی بی شلی
Ozymandias / Percy Bysshe Shelley
۵. فرصت از دست رفته / ریچارد لو گالین
A Lost Hour / Richard Le Gallienne
۶. راه ناپیموده / رابرت فراست
The Road Not Taken / Robert Frost
۷. دنیای بی قرار / پرسی بی شلی
Mutability / Percy Bysshe Shelley
۸. عشق نسیان ناپذیر / ای ای کامینگز
Love is Sicker than Forget / E.E. Cummings
۹. چرا کشتن نمیدانم / توماس هاردی
The Man He Killed / Thomas Hardy
۱۰. سر این کوی / چارلز هانسن تاون
Around the Corner / Charles Hanson Towne
۱۱. گلبرگ / امی لوول
Petals / Amy Lowell
۱۲. من نی ام از آن تو / سارا تسدیل
I am Not Yours / Sara Teasdale

۱۳. فریاد / سارا تسدیل
A Cry / Sara Teasdale
۱۴. رویا / سارا تسدیل
A Fantasy / Sara Teasdale
۱۵. اندکی دیوتو / سارا تسدیل
A Little while / Sara Teasdale
۱۶. دعا / سارا تسدیل
A Prayer / Sara Teasdale
۱۷. آواز نازد را تسدیل
A Song of the Princess / Sara Teasdale
۱۸. یادى این کس / یستینا جورجیا روزتی
Remember / Christina Georgina Rossetti
۱۹. توقفی در جنگ / رابرت فراست
Stopping by the Woods... / Robert Frost
۲۰. سگ وحشی / رابرت فرانسیس
The Hound / Robert Francis
۲۱. کتاب / امیلی دیکنسون
The Book / Emily Dickinson
۲۲. درخت زهر آگین / ویلیام بلیک
A Poison Tree / William Blake
۲۳. زندگی / تام لوگویلچر
Life / Tom L. Wither
۲۴. چون شدیم از هم جدا / لرد بایرون
When We are Parted / Lord Byron
۲۵. زندگانی / کای راویکز
Life / Kay Weeks
۲۶. و حقیقت رویاست / حنا برز
Dreams Are Reality / Hana Behrs
۲۷. سعی دارم خوشدلت باشم / حنا برز
I Try To Be Happy For You / Hana Behrs
۲۸. مگر بگویند بمیر، تا ابد خواهیم زیست / حنا برز
I'd Live Forever... / Hana Behrs
۲۹. معنای عشق / سری چینموی
The Meaning of Love / Sri Chinmoy

۳۰. در وصف پاییز / جان کیٹس
Ode to Autumn / John Keats
۳۱. سپاسگزارم / ناشناس
I am Thankful / Anonymous
۳۲. آئینه / سیلوئا پلات
Mirror / Sylvia Plath
۳۳. غرور / مایا آنجلو
Conceit / Maya Angelou
۳۴. آزادی / انول الوارد
Liberty / Paul Eluard
۳۵. همه زیبا هستند / کیارا ویکز
Everyone is beautiful / Kiara Weeks

فهرست اشعار (ترجمه به فارسی به انگلیسی)

۳۶. چه خوبست این خدا / قیصر امین پور
What a Good God / Geyzar Aminpour
۳۷. مدرسه عشق / مجتبی کاشانی
Love School / Mostafa Kashani
۳۸. سوختن و ساختن / ناشناس
Make Something Do / Anonymous
۳۹. در انتظار یار / نسرین اصغریه
Waiting for the Love / Nasrin Asghariye
۴۰. سکوت گویا / نسرین اصغریه
Speaking Silence / Nasrin Asghariye

ترجمه را از منظر من توان نگریست. علم، فن و هنر. آنان که ترجمه را علم قلمداد می کنند پس یافده اصول و قواعد علمی برای ترجمه اند و اصول و قوانین زیادی برای آن توصیف کرده و تا حدود زیادی در کشف ماهیت علمی ترجمه و فرآیندهای آن تلاش های بسیاری داشته اند. با این حال هنوز هم جای تلاش باقی است. آنان که ترجمه را فن می دانند، در موقعیت های مختلفی از جمله کلاس های درس، دارالترجمه ها، نگاه ها و حرکت های زیادی به ترجمه عملی می پردازند. اما آنان که ترجمه را هنر می دانند، نقد ابعاد هنری ترجمه می پردازند و در صورت داشتن قریحه هنری یا ادبی، با ترجمه ای هنرمندانه توان خود را در معرض قضاوت اهل فن و هنر قرار می دهند.

این که مرز دقیق هنر ترجمه با فن ترجمه چیست، موضوع قابل تأمل است. و این که آیا در فن و هنر ترجمه تا چه میزان از اصول و قواعد علمی می توان بهره جست و آنها را به کار بست، نیز موضوعی بحث برانگیز می نماید. با این حال با احترام به هر سه دیدگاه می توان گفت که هیچ کدام از این سه دیدگاه جامع و مانع نیست. البته در تقابل هم نیز قرار ندارند بلکه مکمل هم اند. اصول علمی ترجمه

می‌تواند راه گشای نقد ترجمه‌ها، حتی ترجمه‌های هنرمندانه باشد و به تکمیل آنها بپیوندد. فن ترجمه نیز می‌تواند با رعایت اصول علمی ترجمه، بر غنای خود بیفزاید. همچنین اگر هنر ترجمه اصول علمی آن را تأیید کند ارزش افزون‌تری می‌یابد. اگر به فن ترجمه هنر ترجمه را بیفزاییم، سبب غنی‌تر شدن و ماندگاری آن می‌شود.

ادبیات به واسطه زندگی و تبادل تجربیات بر مفهوم موجودیت یافته است و در این میان شعر با قالبی زیباتر و بیشتری به نیاز درونی ما برای درک عمیق‌تر و آگاهانه‌تر از زندگی پاسخ می‌دهد و از تجربه‌ها سخن می‌گوید و شاعر نیز از ذخایر حسی مشهود و تعلیمی در پیش بر می‌گزیند و آنان را با زیبایی خاص ترکیب، سازماندهی و خلق می‌نماید. خواننده آگاه و هوشیار و گاه دسته از سبختی‌های روزگار، در خواندن آن سهیم می‌شود و بدین‌سان با خواندن شعر سرگرم می‌شود، به تبادل نکته‌های زندگی می‌پردازد و به شوکت ادراک می‌رسد.

آن چه که در شعر بیان می‌شود، در سه گروه می‌توان تقسیم‌بندی داد:

الف) پیامی جهان شمول که بر مبنای احساس مشترک همه انسان‌ها استوار است و در هر زبانی می‌توان نظیر آن را یافت. به طور مثال سخن «مرگ» و «مومن» است که در همه زبان‌ها در قالب شعری به آن توجه شده است.

ب) پیامی بر اساس درک مشترک از زندگی در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت، توسط شاعران شکل گرفته و بر زبان جاری شده است. این نوع پیام بیشتر در

زبان‌هایی مورد توجه قرار می‌گیرد که از فرهنگ مشترکی برخوردار هستند و قرابت تاریخی با هم دارند. مضامین مشترک شعر فارسی و عربی از این دسته‌اند.

ج) پیامی که مبنای آن فهم و تجربه منحصر به فرد یک شاعر از زندگی است و به شیوه خاص خود او بیان شده است؛ منظومه «حیدر بابایه سلام» شهریار از این نوع است. غیر از رسالت شعر و انواع پیام‌هایی که انتقال می‌نماید، طرق دیگری نیز برای تبادل تجربه‌ها وجود دارد. یکی از ابزارهای قوی تبادل فکر و اندیشه، ترجمه است. ترجمه شعر - چنان که مقدور باشد (برخی معتقدند شعر کلامی است ترجمه ناپذیر) - می‌تواند مسیر و دراکت از تجربیات زندگی را منتقل نماید. هر چند شعر ترجمه ناپذیر می‌نماید با این حال ترجمه آن موهبتی است برای خوانندگان که به دنبال حقیقتی والا، پندی پربار، دلی سودمند، فهمی خیال‌انگیز، درکی الهام بخش، ظرافتی شورآفرین و تجربه‌ای لذت‌بخش هستند.

ترجمه شعر، هنر است؛ هنر سازش اندیشه‌ها، آمیزش الهام‌ها و البته همراه با خطر کشف رموز، که موفقیت در آن برای بیش از نیمی از افراد مورد سؤال است. ترجمه شعر انتقال اندیشه‌های ناب را از زبانی به زبان دیگری و سرگمی به فرهنگی دیگر میسر می‌کند و سبب بهره‌مندی مردم از افکار دیگران می‌شود و آن‌ها را در تجربه خلقتی نو سهیم می‌کند. هنر ترجمه شعر هم برای خوانندگان است و هم برای منتقدان محل تأمل است. برای ترجمه شعر بیش از همه به شیوه مشترک مورد نیاز است. البته از یک سو هیچ ترجمه شعری در نگاه تیزبینانه و روشکافانه منتقدان، عین شعر مبدأ نیست؛ چرا که در شعر فشردگی افکار در واژه‌ها و ترکیبات و گاه منحصر به فرد بودن مفاهیم، قدرت انتقال و باز آفرینی را از مترجم

سلب می‌کند. از سوی دیگر، خوانندگان شعر ترجمه شده را سطر به سطر با شعر اصلی مقایسه و مقابله نمی‌کنند. بلکه از خواندن آن مانند قطعه‌ای ادبی در زبان مادری خود لذت می‌برند.

ویلیام ویور، مترجم نامدار ادبی امریکایی، می‌گوید: «به ترجمه شعر هرگز نباید با دیده علمی و بر مبنای اصول و قواعد علمی ترجمه نگریست، بلکه باید آن را در چوچولری خلاق در نظر گرفت». به نظر وی، شناخت شاعر و خالق شعر زبان مبدأ در سبب تسلط بر نظریه‌های ترجمه، کمک بزرگی برای مترجم است. بنابراین ترجمه هر چند دقیق و ماهرانه باشد، مطابقت کامل با متن اصلی ندارد و در هر ترجمه جنبه‌ای از غنای معنایی، ماهیت شعری و زیبایی‌های ادبی آن دگرگون شده و یا از بین می‌رود.

با این حال اگر بپذیریم که لذت دل‌انگیز و احساس شورآفرین که از خواندن شعر اصلی حاصل می‌شود با خواندن هیچ ترجمه‌ای حاصل نمی‌شود، دو راه پیش روی خواهیم داشت: ۱. شعر را به ناپذیر تلقی نموده و به ترجمه آن نپردازیم. ۲. باور کنیم که شعر را می‌توان عیناً به ترجمه ناپذیری‌هایش، ترجمه کرد و می‌توان هنرمندانه شاهد اثر ادبی اصل را در ترجمه خوانندگان ترجمه آن ریخت و آنان را در غنای درک تجربیات دیگران سهیم نمود. شاهکارها را نباید تنها دید و لذت برد. انتقال مفاهیم پر بار آن‌ها به سایرین لذت و ارزش کمتری از درک خود شاهکار ندارد و این خود هنر دیگر است.

چنان که بپذیریم لذت انتقال پیام به اندازه لذت بردن از اثر اصلی است، آنگاه تلاش در ترجمه شعر ممکن و با ارزش خواهد بود. این نکته که در ترجمه شعر

امکان انتقال معنی شعر اصلی یا انعکاس مشخصات شعری متن اصلی به طور کامل وجود ندارد، مانع از درک خلاقانه و بازآفرینی هنرمندانه آن نمی‌شود؛ چرا که خوانندگان بسیاری به دنبال درک مفاهیم عمیق انسانی در لابلای فرهنگ‌ها و زبان‌های دیگرند. به خصوص در رویارویی با پدیده جهانی‌سازی این نیاز روز افزون‌تر می‌شود. امروزه اگر کسی با زبان فرهنگ دیگری آشنا نیست و یا به اندازه مترجم تسلط ندارد، با خواندن ترجمه‌ها خود را سیراب می‌کند و لذت آشنایی با دنیای دیگر را با ترجمه‌های مطمئن افرون‌تر می‌کند. در خصوص ترجمه شعر، آری زبیدی وجود دارد که در این مقدمه به اختصار به یک مورد اشاره می‌کنیم.

آندره لافور گونه‌های مختلف ترجمه شعر را چنین بیان می‌کند:

گونه یک- ترجمه واجی که در آن تنها تلاش برای بازآفرینی زبان مبدأ در مقصد و تولید تعبیری قابل قبول از مفهوم شعر صورت می‌گیرد.

گونه دو- ترجمه لفظی که به دلیل نزدیکی ترجمه واژه به واژه، ساختار نحوی متن مبدأ دست‌خوش تغییر می‌گردد.

گونه سه- ترجمه وزنی که در آن تنها ویژگی وزن، بازآفرینی وزن شعر متن مبدأ است به هر طریقی که ممکن باشد.

گونه چهار- ترجمه شعر به نثر- که حاصل آن انتقال معنی شعر و ارزش پیام متن اصلی است (البته نه در حد گونه‌های دو و سه) و وزن و مختصات شعری از دست می‌رود.

گونه پنج- ترجمه موزون که در آن مترجم به سازش وزن و قافیه می‌پردازد.

گونه شش- ترجمه شعر به شعر سپید که تأکید بر محدودیت‌های تحمیلی بر مترجم به دلیل انتخاب ساختار دارد و در آن دقت بیشتر به رعایت امانت بیشتر منتهی می‌شود.

گونه هفت- ترجمه‌ای که در آن محتوای متن اصلی حفظ می‌شود ولی صورت تغییر می‌یابد و مترجم شعری از خود آرایه می‌کند که براساس محتوای شعر اصلی است.

در کتاب حاضر تلاش شده است شعر به شعر ترجمه شود و تا حد امکان وزن، مفهوم، مایه‌های آرایه‌های ادبی موجود حفظ شود و در نهایت میزان فهم و لذت خواننده شعر اصلی را بخواندن شعر ترجمه شده نیز ایجاد شود. با این حال ترجمه‌ها در حد بضاعت ترجمه انجام یافته و خالی از اشکال نیست. امید است خوانندگان محترم لذت موعود را خواهند خواند. شعرهای ترجمه شده را ببرند و در دنیای شاعر اصلی سهیم باشند. و منتقدین گرامر نیز مترجم را از نظرات صائب خویش محروم نفرمایند. بر خود فرض می‌دانم که معتمد همکاران ادیبم جناب آقای دکتر اصغر برزی و آقای مهدی رمضانی که با دقت تمام متن را ویرایش نمودند و سرکار خانم اسعدی که زحمت صفحه آرایی آن را تقبل نمودند، صمیمانه تشکر نمایم.

ران ملخی پیش سلیمان بردن

عیب است و لیکن هنر است از موری

قادر رزمجو

تیریز- هزار و سیصد و نود و دو